

تشکیلات در اسلام

(۲)

مقررات راجعه بکیفیت مسلمان شدن بسیار ساده و آسان است و دارای هیچگونه تشریفاتی نیست، آنکسی که اقرار بتوحید و یکتای خداوند و رسالت پیغمبر اسلام (ص) نموده که آن حضرت فرستاده از جانب خداست و آنچه از جانب خدا آورده حق است، مسلمان است و باین اقرار یکی از افراد مسلمین بشمار می آید و همان حقی که سایر مسلمین پیدا کرده اند او پیدا میکنند و از لحاظ جان و مال مصونیت دارد و احدی از افراد مسلمین حق ندارند متعرض جان و مال و آبروی او بشوند مگر طبق مقررات قانون اسلام مانند آدم کشی و شراب خوردن و سایر آنچه در اسلام جرم شناخته شده که پس از محاکمه و صدور حکم از محاکم صلاحیت دار مسلمین حدود و دیات و باتعزیر در حق او اجرا میشود و اگر چنانچه واقعاً هم دروغ بگوید و منافق باشد و روی غرض مادی و منافع شخصی هم باشد این مصونیت را پیدا میکند و کسی حق تجسس ندارد نمی تواند بداند بگوید مسلمان نیستی این موضوع بطور صریح در قرآن مجید که بمنزله قانون اساسی مسلمین است بیان گردیده «ولا تقولوا لمن اتقى اليكم السلام لست مؤمناً تبتغون عرض الحيوة الدنيا» نگوئید با آنکسی که بشما سلام خود را عرضه میدارد که تو مسلمان نیستی و مقصود تو استفاده از زندگی دنیا است پیغمبر اسلام و مسلمانان با مشرکین و یهود و نصاری هم مین کیفیت رفتار می نمودند و حتی درباره یکی از مسلمانان بنام اسامة بن زید که پیغمبر اسلام پس از مراجعت از جنگ خیبر

اورا برای عده‌ای از یهود که در ناحیه فدک زندگی می‌کردند فرستاد تا آنها را دعوت
 باسلام کند یعنی از افراد یهود بنام «مرداس ابن نهیک فدکی» همین که احساس
 کرد که لشکر اسلام متوجه آن ناحیه گردیده‌اند و عیال و اموال خود را جمع کرده با
 خود برد در قسمت کوهی که از طرف مسلمین باو آسیبی نرسد اسامه بن زید اورا تعقیب
 کرد آن مرد یهودی همین که خود را مواجه باخطر مشاهده کرد برای حفظ جان و مال
 خود اقرار بشها دتین نموده، اسامه بن زید تو جوی باقرار او نکر دو بانیزه‌ای او را کشت
 و پس از مراجعت این موضوع را در حضور پیغمبر گذارش داد آن حضرت فرمود تو
 اذل او کی آگاه شدی؟ نه اقرار او قبول کردی و نه اذلال او خبر داد بودی و برای چه
 او را کشتی، و بهمین جهت گناه کاره محسوب شد و مدت‌ها در مسجد برای توبه زندگی کرد
 تا آنکه پس از گریه و انابه بسیار خداوند توبه او را قبول کرد پس در اسلام برای کسی
 که بخواهد مسلمان شود تشریفات و آدابی مقرر نشده و باکمال سهولت میتواند وارد
 در جامعه مسلمین بشود و این سهولت در باره هیچ یک از احزاب سیاسی و اادیان موجود
 باین سادگی وجود ندارد چنانچه کسی بخواهد وارد در یک حزب سیاسی بشود
 تشریفات مخصوصی باید رعایت بشود و چنانچه بخواهد وارد در دین نصاری و یهود بشود
 مسلما باجواب نظر بزرگان روحانی آنها و رعایت آداب خاصه ممکن است نصرانی
 بشود و در یهود و سایر ادیان که اساسا معلوم نیست کسی را قبول کنند و چون خارج از
 بحث ما است نمی‌خواهیم مشروح این موضوع را تفصیل بدیم آنچه مسلم است آنست
 که دین مقدس اسلام بهیچ وجه برای کسی زحمت ایجاد نمی‌کند و شرایط مشکلی ندارد
 و بهمین جهت سهولت نمی‌توان کسی را از دین اسلام خارج کرد و او را تکفیر نمود مگر
 آنکه منکر یکی از اصول مسلمة اسلامی شود که در حقیقت برگشت می‌کند باینکه
 رسالت پیغمبر اکرم را انکار کرده است مانند آنکه اگر از شخص آن حضرت مطالبی را
 بشنود و منکر شود و قبول نکند در حقیقت قبول نکرده است که او فرستاده خداست و
 آنچه میگوید حق و مطابق واقع است و در غیر این صورت نمی‌توان کسی را کافر دانست
 و از این جهت است با آنکه مسلمانان در صدر اسلام می‌دانستند که پاره‌ای از افراد مسلمان

دروغ می گویند و از روی طمع و یا ترس برای بدست آوردن غنائم جنگی و یا از ترس
 قدرة جامعه مسلمین برای حفظ جان و مال مسلمان شده اند مع ذلك با او معاشرت می نمودند
 و معامله با آنها همان معامله با یک نفر مسلمان حقیقی بود از آنجا دختر می گرفتند و با آنها
 دختر میدادند و مطابق قانون اسلام ارث می بردند حتی شخص پیغمبر اکرم با آنها دختر
 داد و دختر گرفت در صورتی که میدانست آنها دروغ میگویند در سوره منافقون خداوند
 میفرماید «اذا جاءك المنافقون قالوا نشهد انك لرسول الله والله يعلم انك لرسوله والله
 يشهد ان المنافقين لكاذبون».

هرگاه منافقون در نزد تو بیایند و بگویند ما گواهی میدهیم که تو فرستاده از
 جانب خدا هستی خدا میداند که تو فرستاده او هستی و خدا گواهی میدهد که منافقین
 دروغ میگویند و در جای دیگر میفرماید «يقولون بافواههم ما ليس في قلوبهم» میگویند
 با دهان های خود آنچه را که در دل های ایشان نیست.

متأسفانه جامعه مسلمین که از لحاظ اکثریت نادان هستند حتی نسبت بمقررات
 اولی اسلام توجهی بساین موضوع مهم ندارند و مسئله تکفیر و خیار
 کردن یک نفر مسلمان در نظر پاره از مسلمین خیلی سهل و ساده است گذشته از افراد پاره
 از فرق مسلمین که درباره از مطالب اختلافاتی باهم دارند این شکاف بقدری زیاد شده
 است که همدیگر را تکفیر می نمایند و ازهم تبری می جویند و مهمترین اختلاف بین
 مسلمین اختلاف سنی و شیعه است که در اثر نقشه های مخالفین اسلام بعدی این اختلاف
 زیاد است که طرفین یکدیگر را از دین اسلام خارج میدانند بدون آنکه متوجه باشند
 غالباً که ماباه اختلاف کجا است و تا آنجا که ممکن است بوم نزدیک شوند و چه در جای
 تقدیر است از مردمان اصلاح طلب که «جماعة التقريب بين المذاهب الاسلاميه» را در مصر
 تاسیس نمودند و این افتخار برای ایرانیها مسلم است که مؤسس جماعة التقريب یکی از
 افراد روحانی که از لحاظ خانوادگی و اصالت از علما و دانشمندان بوده است (دانشمند
 شهیر آقای آ میرزا محمد تقی قمی) در مصر بنای این جماعة التقريب را گذاشت و با
 زحمات بسیاری توانست در مصر برای این فکر هم دست پیدا کند و بالاخره پس از

چندین سال زحمت این فکر گسترش پیدا کرد و از آنرا عملی این تاسیس همین است که رئیس علماء و دانشمندان بزرگ مصر و جامع الازهر تصدیق می کند که فقه جمعی از فقه اهل سنت و جماعت محکم تر است و تصریح می نماید که من باین فقه عمل می کنم و در نظر مردم آگاه روشن است که گفتن حق آنهم از شخصیتی بزرگ مانند شیخ محمود شلتوت آنهم در محیط مصر مستلزم فداکاری بسیار است و ما امیدوار هستیم که این مؤسسه پیشرفت زیادی پیدا کند و مسلمانان را بهم نزدیک بنماید مقصود اینست که مسئله تکفیر و خارج دانستن از دین اسلام باین سهولت که باره ای خیال می کنند نبوده و بطور یقین جمیع فرق اسلامی اقرار بتوحید و رسالت پیغمبر اکرم می نمایند و چنانچه درباره از مسائل اختلاف پیدا شده است بر این است که با اصطلاح در صغرا گفتگو دارند و می گویند که این موضوع را پیغمبر فرموده و در نظر آنان مسلم نیست و در کبری و این اصل که آنچه پیغمبر فرموده مورد اقرار و اعتراف آنهاست حرفی در بین نیست از باب مثال متذکر می شویم که شیعه مدعی است مخالفت علی علیه السلام منصوص از جانب پیغمبر است و در روز هجدهم ماه ذی الحج در غدیر خم این موضوع را به جمیع مسلمین ابلاغ فرمود که من کنت مولاه فهذا علی مولاه ولی حضرات اهل سنت قبول ندارند مع ذلک آنها را مسلمان میدانند و با آنها بطریقه اسلام عمل می کنند و حتی پیشوایان ما با حدی از پیروان خود اجازه نمی دادند که بدون مجوز قانونی آنها را بقتل برسانند و یا مال آنها را ببردند و یا متعرض ناموس آنها بشوند و یا آنها را از بردن ارتطابق مقررات اسلامی محروم کنند و این موضوع را باید جمیع مسلمانان بدانند و متوجه باشند که ورود در دین اسلام اگر ساده و سهولت انجام میگیرد ولی خروج از دین و یا تکفیر و خارج کردن از اسلام کار هر کسی نیست و بسیار مشکل است نه آنکه کسی که هیچ گونه صلاحیت دینی ندارد (و با وجود مراجع رسمی که ریاست عامه مسلمین شیعه با آنها است) در گوشه و کنار مملکت برای یکدسته از مسلمین حکم تکفیر صادر کند و مردم را از معاشرت و ازدواج با مسلمین دیگر ممنوع سازد و موجب فتنه و فساد بشود این بیش آمدها برای این است که میزان و ملاک کفر و اسلام کاملاً مورد توجه قرار نگیرد و بر فرض اینکه یک نفری که وابسته بیک طبقه خاصی است که دارای عقاید

و آراء مخصوصه است منکر اصل مسلمی در اسلام شد می توان او را کافر دانست این موضوع شامل کلیه افرادی که وابسته بآن دسته هستند نمی شود و نمی توان گفت همه آنان مرتد و کافر هستند بدلیل اینکه این یک نفر مثلا اظهار نمود که بطور مسلم کفر او نابت بشود و از همین راه است که حزب شیطان کاملا فرصت پیدامی کند و مسلمانان را بجان هم می اندازد وقتی که مسلمین با هم مبارزه و صف آرای می کنند آنها برای تحکیم مبانی استعمار و بردن جان و مال و آبروی آنان نقشه های شیطانی خود را به وقوع اجرا می گذارند و با تمام وسائل ممکنه سعی می کنند که اختلاف زیادتر بشود و با ساختن دین های جدید و برانگیختن عناصر مزدور خود زنجیر استعمار را بگردن جامعه مسلمین می اندازد چنانچه تا کنون بهمین طریق جامعه اسلامی را پراکنده نموده است و روی اصل مسلم اختلاف بیندازد و حکومت کن بر جمیع مسلمین حکومت پیدا کرده است .

امیدوارم برادران ایمانی ما از خواب غفلت بیدار شده با اتحاد و اتفاق دست اچانه را از سر خود و مسلمانان کوتاه نمایند .

از فرمایشات علی علیه السلام

پیش از آنکه مرگ شما را بخواند گوشه های خود را بدعوت آن آشنا سازید میبایشود مرگ را به تحقیق سایه مرگ بر سر شما گسترده است از آنهاست که پیش از شما بودند پند و اندرز گیرید قبل از آنکه از بعد شما از شما پند و اندرز گیرند .

اطاعت کنید خدا را بطوریکه بوسیله پیغمبرانش بشما امر فرموده حذر کنید از رفیق بد که هم نشین بد کاره لاک میکند شما را